

علم اصول الفقہ

۳۱

۴-۱۰-۱۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدی الهادی الطهرانی

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- شخصیت مهمی که بعد از شیخ انصاری، ادامه دهنده‌ی مسیر شیخ و تکمیل کننده‌ی آن است، مرحوم آخوند خراسانی (متوفای ۱۳۲۹) است. وی با این که فقط دو سال از درس شیخ استفاده نموده، از شاگردان شیخ به حساب می‌آید. وی جوان و مورد توجه شیخ انصاری بود.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- بعد از رحلت شیخ انصاری، آخوند از محضر درس میرزای شیرازی که مرجعیت شیعه را بعد از شیخ انصاری بر عهده داشت، استفاده کرد و بعد از میرزای شیرازی عهده‌دار وظیفه‌ی مرجعیت شیعه شد.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- آخوند در کفایة الاصول، دوره‌ای از اصول را مطرح می‌کند. در بخش مباحث الفاظ، تقریباً شیوه‌ی قدما را پی گرفته و در بخش مربوط به قطع و ظن و اصول عملیه به روش مرحوم شیخ عمل کرده است. بدین ترتیب وی به لحاظ روش، چندان نوآوری در کفایه ندارد.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- آخوند در بحث‌ها سعی کرده مطالب را تنقیح و کوتاه نماید تا به گمان خود امر تحصیل اصول را آسان کند. همین ایجاز که گاهی به ابهام منجر شده، محصلان کفایه را با مشکلاتی روبرو ساخته است. اگر چه علی رغم دشواری کفایة الاصول، این کتاب از آن زمان یکی از مواد درسی اصولی در حوزه‌های علمیه قرار گرفت و هم اکنون نیز محور درس‌های اصولی است.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- مهم-ترین ویژگی کفایه که می‌توان گفت ابداع مرحوم آخوند است، طرح مباحث فلسفی یا به تعبیر شهید صدر، رنگ فلسفی دادن به مباحث اصولی است. مرحوم آخوند در دوران کوتاهی قبل از رفتن به نجف، نزد حاج ملا هادی سبزواری، صاحب منظومه و شرح منظومه، شاگردی کرد و تعلیقه‌ای بر آن نوشت. در همین دوران کوتاه تحت تأثیر دیدگاه‌های فلسفی قرار گرفت.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- جا دارد به این مطلب هم اشاره کنیم که وی برداشت مثبتی از فلسفه و گرایشی به آن داشت اما به دلیل دوران کوتاه شاگردیش نزد مرحوم سبزواری، چندان تسلطی بر مباحث فلسفی نداشت و از اتقان و توانایی فلسفی آن گونه که باید، برخوردار نبود. برخی مباحث فلسفی یا شبه فلسفی که آخوند مطرح کرده، دارای اشتباهاتی است که نتیجه‌ی همین عدم تسلط بر فلسفه است.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- در هر حال آشنایی مرحوم آخوند با فلسفه و تأثیری که از مباحث فلسفی داشت، در بحث‌های اصولی آخوند بروز یافت و آخوند رنگ فلسفی دادن به اصول را که مرحوم خوانساری آغاز کرده بود، بیشتر مورد تأکید و توجه قرار داد؛ به گونه‌ای که برخی از اصول آخوند به اصول فلسفی یاد می‌کنند.

فصل ششم: درخشش اصول فلسفی

- اصول‌های قبلی، حتی اصول مرحوم شیخ انصاری، به تعبیر آنها صبغی کلامی دارد و دلیل آن، متکلم بودن اصولی‌ها به خصوص بنیانگذاران اولیه‌ی اصول بود. این رنگ کلامی در طول قرون و اعصار در آثار اصولی باقی ماند و شاید اولین کسی که صبغی فلسفی را مطرح کرد، مرحوم حاج آقا حسین خوانساری بود. بعد از وی آخوند و بعد از آخوند، شاگردان او این مسیر را ادامه دادند.

شاگردان صاحب کفایه

- در بین شاگردان مرحوم آخوند با سه شخصیت مهم اصولی مواجه هستیم: ا. مرحوم نائینی ب. مرحوم حاج آقا ضیاء عراقی ج. شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی.
- دیدگاه‌های این سه شاگرد مبرز به دلیل تمایلات علمی آنها، با هم متفاوت بود.

شاگردان صاحب کفایه

- مرحوم نائینی (متوفای ۱۳۵۵ هـ. ق) سعی بر کم کردن حالت فلسفی در اصول و زیاد کردن بحث‌های عرفی و عقلایی در آن داشت. به تعبیر دیگر سعی نمود دیدگاه عقلایی در مباحث اصول را بر دیدگاه عقلی ترجیح دهد و آن را حاکم نماید.

شاگردان صاحب کفایه

- او گاهی بحث‌های فلسفی یا منطقی را در لابه-لای مباحث اصولی مطرح کرد، اما میزان طرح مباحث فلسفی و منطقی در اصول او، در مقایسه با میزان تأکید وی بر مباحث عقلایی و عرفی چندان نبود و به دلیل بی-اعتنایی به فلسفه، همان مباحث هم چندان از دقت فلسفی برخوردار نبود. شهید صدر از این شیوه به مکتب و مدرسه‌ی نائینی تعبیر می‌کند و بزرگانی چون آقای خوئی، آقای بجنوردی، آقای مظفر از تابعین این مکتب به شمار می‌آیند.

شاگردان صاحب کفایه

- نقطه‌ی مقابل مرحوم نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ هـ. ق) بود. وی در فلسفه تبحر داشت. شاید بتوان وی را از معدود کسانی شمرد که در حوزه‌ی نجف در فلسفه صاحب نظر بوده است. توانایی فلسفی او، در اصول وی کاملاً آشکار شده و می‌توان گفت: در کل تاریخ علم اصول تا امروز، اصول وی فلسفی‌ترین اصول است. حجم مباحث فلسفی و دقت‌های فلسفی در این اصول، از همه‌ی آثار اصولی دیگر چشمگیرتر است.

شاگردان صاحب کفایه

- مرحوم اصفهانی ابداعاتی داشت که برخی شاگردان سعی کردند آن را پی گیرند:

شاگردان صاحب کفایه

- ا. وی بین اعتباریات و حقایق تفکیک قایل شد. مرحوم اصفهانی ابتدا این بحث را در فقه مطرح کرد و گاهی در اصول به آن اشاره نمود.
- بحث تفکیک اعتباریات از حقایق و تکوینیات که در مبادی اصول به آن اشاره می‌کنیم، بحثی است که هم در اصول، هم در فقه و هم در مباحث فلسفی، بسیار کلیدی و راه‌گشای بسیاری از مباحث و عامل جلوگیری از خطاها و اشتباهات به وجود آمده در این علوم است.

شاگردان صاحب کفایه

- ب. در اواخر عمر کار بزرگی را در زمینه‌ی اصول شروع کرد که ناتمام ماند و مرحوم مظفر، شاگرد وی، سعی در اتمام آن و ادامه‌ی راه استاد داشت. می‌توان این کار بزرگ را بعد از اثر و کار شیخ انصاری دومین کار جدید به لحاظ ترتیب در مباحث اصول به شمار آورد.

شاگردان صاحب کفایه

- مرحوم اصفهانی در دوره‌ی اخیر مباحث خارج خویش، طبقه-بندی جدیدی از مباحث اصول عرضه می‌کند.
- وی در آنجا به بحث مبادی علم اصول، مبادی تصویری و تصدیقی، توجه می‌کند و تلاش می‌نماید با عرضه‌ی تعریف دقیق از مباحث اصول، مرز بین مسایل اصول و مبادی آن را روشن کند.

شاگردان صاحب کفایه

- البته در این که چقدر موفق بوده، نکته‌ای است که بعدها به قضاوت می‌نشینیم اما اصل دیدگاه جدایی مبادی تصوری و تصدیقی از مسایل علم اصول، یک دیدگاه تازه است. قبل از مرحوم اصفهانی مسایل و مبادی در هم آمیخته و بدون تفکیک از هم، طرح شده است.

شاگردان صاحب کفایه

- ج. وی با توجه به تفکیکی که بین اعتباریات و حقایق قایل بوده، در تعریف علم اصول و به خصوص موضوع آن به این تفکیک توجه داشته و سعی کرده در تعریف علم اصول و موضوع آن یک ضابطه‌ی دقیقی را عرضه نماید.

شاگردان صاحب کفایه

- بین مرحوم نائینی که تأکید بر مباحث عقلایی دارد و مرحوم اصفهانی که بر مباحث عقلی تأکید می‌کند، آقا ضیاء عراقی (متوفای ۱۳۶۱) یک شخصیت اصولی عمیق است و حالت بینابین دارد. وی هم به مباحث عقلایی توجه دارد و هم به مباحث عقلی. اصول آقا ضیاء به دلیل بیان پیچیده‌ی وی در تدریس و تألیف، چندان شناخته نشده و شاگردان وی چندان از او استفاده نکرده‌اند.